

۱۲۲۵۹۱۹

۱۳۹۲، ۲، ۲

پیشوا رحیم رامین

ویس و رامین

اثری ماندگار از فخرالدین احمد گرگانی

داستان ویس و رامین از دیدگاه صادق هدایت

ویراست دوم

به کوشش

عباس یزدی

انتشارات فرهنگ دانشجو

سرشناسه: فخرالدین اسعد گرگانی، قرن ۵ ق.
 عنوان و پدیدآورنده: ویس و رامین: داستان ویس و رامین از دیدگاه صادق هدایت /
 فخرالدین اسعد گرگانی به کوشش عباس یزدی.
 مشخصات نشر: تهران، فرهنگ دانشجو، ۱۳۹۴
 شناسه افزوده: یزدی، عباس، بهمن ۱۳۳۰، گردآورنده
 شناسه افزوده: نوذری حشمتی، بهناز، ۱۳۵۹، ویراستار
 شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۸۴۷۹-۷۹-۹
 موضوع: شعر فارسی - قرن ۵ ق.
 رده بندی دپویی: ۸۱۰/۲۲
 شماره کتابشناسی ملی: ۳۹۶۳۸۸۶

نشریات فرهنگ دانشجو

عنوان کتاب: ویس و رامین
 به کوشش: عباس یزدی
 ویراستار: دکتر بهناز نوذری
 ناشر: فرهنگ دانشجو
 طرح جلد: فرشاد
 چاپ: دیجیتال نسیم
 نوبت چاپ: اول - ۱۳۹۵
 شمارگان: ۱۰۰۰ نسخه
 قیمت: ۳۰۰۰۰ تومان

حق چاپ برای ناشر محفوظ است

مرکز پخش: انتشارات فرهنگ دانشجو، خیابان انقلاب، خیابان بهار، برج بهار

طبقه‌ی پنجم، واحد ۵۹۹

تلفن: ۰۹۱۲۳۱۳۷۵۹۵ - ۷۷۶۱۶۴۸۲ - ۷۷۶۱۶۳۵۱

فکس: ۸۸۳۳۴۲۱۷

شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۸۴۷۹-۷۹-۹

ISBN 978-964-8479-79-9

فهرست مطالب

عنوان	شماره صفحه
پیشگفتار.....	۱
زندگی نامه‌ی فخرالدین اسعد گرگانی.....	۳
امید دیدار.....	۴
چهارم بند است و ما در بند خُرسند.....	۵
دانشان ویس و رامین از دیدگاه صادق هدایت.....	۷
۱- متن اصلی داستان «ویس و رامین».....	۹
۲- اطلاعات عمومی شخصیت شاعر.....	۱۰
۳- عقاید اسلامی.....	۱۳
۴- زبان‌شناسی.....	۱۶
۵- عقاید زرتشتی و افکارهای قبل از اسلام.....	۱۸
۶- مواد فرهنگ توده در ویس و رامین.....	۲۷
۷- ضرب المثله‌ها در منظومه‌ی ویس و رامین.....	۴۰
منظومه ویس و رامین.....	۴۴
ستایش یزدان.....	۴۵
ستایش حضرت محمد مصطفی صلی الله علیه و آله و سلم	۴۸
مدح سلطان ابوطالب طغرل بیک.....	۵۰
مدح خواجه ابونصر منصور بن محمد.....	۵۴
فتح شهر اصفهان توسط سلطان.....	۵۶
ستایش عمید ابوالفتح مظفر.....	۵۸
برون آمدن سلطان از اصفهان و داستان گوینده‌ی کتاب.....	۶۱
آغاز داستان ویس و رامین.....	۶۴
نظاره کردن ماهرویان در بزم شاه موید.....	۶۶
خواستن موید شهر را و عهد بستن شهر را با موید.....	۶۷
چگونگی بدنیآ آمدن ویس از مادر.....	۶۹

عنوان

شماره صفحه

- ۷۱ پرورش یافتن ویس و رامین نزد دایه هایش
 ۷۲ نامه نوشتن دایه نزد شهرو و کس فرستادن شهرو به طلب ویس
 ۷۴ دادن شهرو ویس را به ویرو و مراد نیافتن هر دو
 ۷۵ آمدن زرد پیش شهرو به رسولی
 ۷۸ سخن پرسیدن ویس از زرد و جواب شنیدن
 ۸۰ بازگشتن زرد از پیش ویس به موبد
 ۸۲ خبردار شدن موبد از خواستن ویرو ویس را و رفتن به جنگ
 ۸۳ آگاه شدن ویرو از آمدن موبد بهر جنگ
 ۸۵ اندر محبت جنگ موبد و ویرو
 ۸۸ هزیمت شدن شاه بهد از ویرو
 ۸۹ آمدن شاه موبد به جواب به جهت ویس
 ۹۰ رسول فرستادن شاه موبد نزد ویس
 ۹۰ جواب دادن ویس رسول شاه موبد
 ۹۲ بازگشتن رسول شاه موبد از دویس
 ۹۳ مشورت کردن موبد با برادران بهر موبد
 ۹۶ نامه نوشتن موبد نزد شهرو و فریفتن به مال
 ۹۷ صفت آن خواسته که موبد به شهرو فرستاد
 ۹۸ در وصف شب
 ۱۰۰ رفتن موبد در دز و بیرون آوردن ویس
 ۱۰۱ آگاهی یافتن ویرو از بردن شاه ویس را
 ۱۰۲ دیدن رامین ویس را و عاشق شدن بر وی
 ۱۰۴ رسیدن شاه موبد به مرو با ویس و جشن عروسی
 ۱۰۶ آگاهی یافتن دایه از کار ویس و رفتن به مرو
 ۱۰۸ جواب دادن ویس به دایه
 ۱۰۸ پاسخ دادن دایه به ویس
 ۱۱۰ آرایش کردن ویس توسط دایه
 ۱۱۲ اندر بستن دایه مر شاه موبد را بر ویس
 ۱۱۴ نهایت عشق رامین به ویس

دیدن رامین دایه را اندر باغ و حال گفتن.....	۱۱۶
فریفتن دایه ویس را به خاطر رامین.....	۱۲۴
باز آمدن دایه به نزدیک رامین به باغ.....	۱۳۰
دیدار ویس رامین را و عاشق شدن بر او.....	۱۳۹
رفتن دایه بار دیگر به پیش ویس و حال گفتن.....	۱۴۲
رسیدن ویس و رامین به یکدیگر.....	۱۴۴
رفتن ویس و رامین به کوهستان نزد موبد.....	۱۴۸
آگاه شدن شاه موبد از کار ویس و رامین.....	۱۴۸
بازگشتن شاه موبد از کهستان به خراسان.....	۱۵۴
رفتن ویس از مرو شاهجان به کوهستان.....	۱۵۶
رفتن رامین به همدان به خاطر ویس.....	۱۵۹
آگاه شدن موبد از پیش آمدن رامین نزد ویس.....	۱۶۱
رفتن موبد از خراسان به جابلو همدان.....	۱۶۴
پاسخ فرستادن ویرو پیش موبد.....	۱۶۵
سرزنش کردن موبد ویس را.....	۱۶۷
رفتن موبد به آتشگاه و گریختن رامین به ری.....	۱۶۹
گردیدن شاه موبد به گیتی در طلب ویس.....	۱۷۳
نامه نوشتن رامین به مادر و آگاه شدن موبد.....	۱۷۵
آگاهی دادن مادر به موبد از ویس و رامین و نامه فرستادن به رامین.....	۱۷۷
نشستن موبد در بزم با ویس و رامین و سرود گفتن.....	۱۸۰
آگاهی یافتن موبد از قیصر روم و رفتن به جنگ.....	۱۹۰
بردن شاه موبد ویس را به دز اشکفت و خبر یافتن رامین از ویس.....	۱۹۳
زاری کردن ویس از رفتن رامین.....	۱۹۶
آمدن رامین به دز اشکفت دیوان پیش ویس.....	۱۹۸
آمدن شاه موبد از روم و رفتن به دز اشکفت دیوان نزد ویس.....	۲۰۶
مویه کردن شهر و پیش موبد.....	۲۱۳
جواب دادن موبد به شهر و گفتن از لبت کردن ویس و دایه.....	۲۱۷
سپردن موبد ویس را به دایه و آمدن رامین در باغ.....	۲۱۹

عنوان

شماره صفحه

۲۲۴	آگاهی یافتن موبد از رامین و رفتن او در باغ
۲۳۰	بزم ساختن موبد در باغ و سرود گفتن رامشگر گوسان
۲۳۳	نصیحت کردن به گوی رامین را
۲۳۷	اندر پند دادن شاه موبد ویس را و سرزنش کردن
۲۳۹	پاسخ دادن ویس به موبد
۲۴۱	رفتن رامین به گوراب و دور افتادن از ویس
۲۴۶	رفتن رامین به گوراب و دیدن گل و عاشق شدن بر وی
۲۵۱	عهدی کردن رامین با گل
۲۵۳	آشفته شدن گل از گفتار رامین
۲۵۴	نامه نوشتن رامین به ویس و بیزاری نمودن
۲۵۷	رسیدن پیک رامین به و شاهجان و آگاه شدن ویس از آن
۲۶۱	رفتن دایه به گوراب نزد رامین
۲۶۳	بیمار شدن ویس از فرات رامین
۲۶۵	نامه نوشتن ویس به رامین و طلب دیدار
۲۶۹	نامه‌ی اول - در صفت آرزومندی و درخواست دیدار
۲۷۱	نامه‌ی دوم - یاد دوست و دیدن او به خواب
۲۷۳	نامه‌ی سوم - وفاداری به یار و دل نبستن به دگر
۲۷۵	نامه‌ی چهارم - خشنودی از فراق و امید بر وصال
۲۷۶	نامه‌ی پنجم - جور و جفا دیدن از دوست
۲۷۸	نامه‌ی ششم - شکوه از دوست
۲۸۰	نامه‌ی هفتم - ناله و زاری در غم جدایی و تنهایی
۲۸۲	نامه‌ی هشتم - خبر از حال دوست
۲۸۴	نامه‌ی نهم - شکوه از یار
۲۸۶	نامه‌ی دهم - دعا و درخواست دیدار یار
۲۸۷	درود و پایان نامه
۲۸۸	تمام شدن ده نامه و فرستادن ویس آذین را به رامین
۲۹۰	مویه کردن ویس بر جدایی رامین
۲۹۳	سیر شدن رامین از گل و یاد کردن عهد ویس

شرح حال رامین به گل توسط رفیدا	۲۹۸
رسیدن آذین از پیش ویس به رامین	۳۰۲
پاسخ نامه‌ی ویس توسط رامین	۳۰۳
آگاه شدن ویس از آمدن رامین	۳۰۵
رسیدن رامین به مرو نزد ویس	۳۰۸
پاسخ دادن رامین به ویس	۳۰۹
پاسخ دادن ویس به رامین	۳۱۳
آمدن ویس دگر بار بر روزن و سخن گفتنش با رخس رامین	۳۱۵
پاسخ دادن رامین به ویس	۳۱۷
پاسخ دادن ویس به رامین	۳۱۸
پاسخ دادن رامین به ویس	۳۱۹
پاسخ دادن ویس به رامین	۳۲۲
پاسخ دادن رامین به ویس	۳۲۳
پاسخ دادن ویس به رامین	۳۲۴
پاسخ دادن رامین به ویس	۳۲۵
پاسخ دادن ویس به رامین	۳۲۶
پاسخ دادن رامین به ویس	۳۲۷
پاسخ دادن ویس به رامین	۳۲۸
پاسخ دادن رامین به ویس	۳۲۹
پاسخ دادن ویس به رامین	۳۳۰
خشمگین شدن ویس از منظر و بستن در به روی رامین	۳۳۱
پشیمان شدن ویس از کرده‌ی خویش	۳۳۲
فرستادن ویس دایه را در پی رامین و خود رفتن در عقب	۳۳۳
پاسخ دادن رامین به ویس	۳۳۶
پاسخ دادن ویس به رامین	۳۳۸
پاسخ رامین به ویس	۳۳۹
پاسخ دادن ویس به رامین	۳۴۱
پشیمان شدن رامین از رفتن ویس و به دنبال وی رفتن	۳۴۲

عنوان	شماره صفحه
آشکار شدن رامین بر شاه موید	۳۴۵
رفتن موید به شکار	۳۴۷
رفتن شاه موید به شکار و بردن رامین با خویشتن	۳۴۹
نالیدن ویس از رفتن رامین و چاره خواستن از دایه	۳۵۱
نامه نوشتن ویس به رامین	۳۵۳
رسیدن نامه‌ی ویس به رامین	۳۵۶
رفتن رامین به کهندز به مکر	۳۵۸
کشته شدن سپهدار زرد در جنگ بدست رامین	۳۶۰
برداشتن گنج موید توسط رامین و گریختن به دیلمان	۳۶۱
آگاه شدن موید از کشته شدن رامین با ویس	۳۶۳
کشته شدن شاه موید بدست سُرّاز	۳۶۴
نشستن رامین بر تخت شاهنشاهی	۳۶۶
وفات یافتن ویس	۳۶۹
نشاندن پسر رامین به تخت شاهنشاهی و رفتن رامین به آتشگاه تاروز مرگ	۳۷۱
در پایان کتاب	۳۷۴
انتشارات فرهنگ دانشجو منتشر کرده است:	۳۷۹
یادداشت:	۳۸۴

بیشگفتار

سپاس و آفرین آن پادشا را که گیتی را پدید آورد و ما را
بدو زیباست مُلک و پادشایی که هرگز ناید از مُلکش جدایی
خدای پاک و بی‌همتا و بی‌یار هم از اندیشه دور و هم ز دیدار

ادبیات و فرهنگ ایران زمین، بازتاب اندیشه‌ها، باورها، هنرمندی‌ها و عظمت ملت بزرگ ایران است که از دیرباز تاکنون حوادث پرفراز و نشیب بسیاری را پشت سر گذاشته و امروز بدست ما رسیده است. غنای این آثار، نشاندهنده‌ی تجربه‌ها، تلاش و کوشش فرزندگان ادب و فرهنگ ایران است. هر برگ از ادب و فرهنگ ایران زمین، جلوه‌گاه نمایش آثار منظوم و منثور شاهان، بزرگان، اشراف و اعیان، سادات، حاکمان، دولتمندان، مصلحت‌طلبان، سنیایی، عطار، جامی، سلمان ساوجی، صائب، هاتف، فیض کاشانی، پروین، ایرج میرزا، بهار، الهی قمشه‌ای، سید خدایار و نویسندگانی چون ابوعلی سینا، ابوریحان بیرونی، ابوسعید ابی‌الخیر، شیخ بهار، ابوالفضل بیهقی، غزالی، قائم مقام فراهانی و دیگران است که با برخورداری از فرهنگ و ذوق و کوشش فراوان خویش، آثاری باشکوه و ماندگار خلق کرده که جاذبه و شیرینی این آثار را در دل ایرانی و غیر ایرانی را مست و مسحور می‌کند و این شعر زیبای حضرت مولانا را در گوش جان زمزمه می‌کند که:

آب دریا را اگر نتوان کشید هم به قدر تشنگی باید چشید

مطالعه‌ی این آثار، نه تنها جان را طراوات و شادابی می‌بخشد، بلکه روح را به پرواز در می‌آورد؛ بطوری که با خواندن اشعار این فرزندگان انسان با نشاط و توانایی‌زده شده و در نتیجه به زندگی و آینده‌ی بهتر امیدوار می‌شود. زیرا این اشعار که الهام گرفته از قرآن و بیانات معصومین علیهم‌السلام می‌باشد، درسی است برای امید، زندگی و گامی به سوی عشق. عشق به مفهوم واقعی و معنوی و به قول مولانا رحمته‌الله:

هرچه گویم عشق را شرح و بیان چون به عشق آیم، خجل باشم از آن
شرح عشق را از من بگویم بر دوام صد قیامت بگذرد و آن ناتمام
حافظ چه شیرین سروده است:

در ازل پرتو خُسنت ز تجلی دم زد عشق پیدا شد و آتش به همه عالم زد

جلوه‌ای کرد رُخت، دید ملک تاب نداشت عین آتش شد ازین غیرت و بر آدم زد

خیام زندگی خالی از عشق را حتی برای یک روز هم ضایع می‌داند:

افسوس بر آن دل که در آن سوزی نیست سودا زده‌ی مهر دل افروزی نیست
روزی که تو بی‌عشق به سر خواهی بُرد ضایع‌تر از آن روز تو را روزی نیست

و چه خوش گفته حکیم نظامی که انسان بدون عشق افسرده و بی‌جان است:

کس جز عشق خالی شد، فسرده است گرش صد جان بود، بی‌عشق مرده است
نروید تخم کس بر دانه‌ی عشق کس ایمن نیست جز در خانه‌ی عشق
ز سوز عشق خوشتر در جهان نیست که بی او گُل نخندید، ابر نگریست

و اما هاتف اصفهانی چه خوش گفته است:

چشم دل باز کن که جان بینم آن چه نادیدنی است، آن بینی
گر به اقلیم عشق روی آید همه آفاق گلستان بینی
هر چه داری اگر به عشق دهی کافرم گر جوی زیان بینی

جان‌گذاری اگر به این عشق

عشق را کیمیای جان بینی

خدای بزرگ را شاكرم که این توفیق را به من داد تا قطره‌ای از دریای بی‌کران آثار این
بزرگان را در اختیار علاقه‌مندان شعر و ادب فارسی قرار دهم.

کسی کو در دعا آرد مرا یاد همه وقتی نگهدارش خدا باد

مهر ۱۳۹۵ - عباس یزدی